DENA
GALLERY
گالری دنا

ARTWORKS BY FARSHID PARSIKIA

پیشنهاد کتابی از روشن نوروزی

DENA
GALLERY
گالری دنا

# درباره هنرمند

روشن نوروزی | متولد تبریز

عکاس و روزنامه‌نگار ایرانی است که بخش مهمی از فعالیت حرفه‌ای خود را به عکاسی مستند و روایت تصویری از جامعه معاصر اختصاص داده است. نگاه او در عکاسی، بیش از ثبت صرف رویدادها، بر مشاهده و روایت جنبه‌های کمتر دیده‌شده زندگی روزمره استوار است. نوروزی از اعضای گروه «پودیوم» بوده؛ گروهی که با تمرکز بر عکاسی مستند ورزشی، تلاش کرده است از فضای متعارف و هیجانی رویدادهای ورزشی فاصله گرفته و به روایت انسانی و اجتماعی آن‌ها نزدیک شود. او همچنین از بنیان‌گذاران «جایزه عکاسی مستقل شید» و از فعالان حوزه معرفی و گسترش عکاسی معاصر ایران است.

DENA
GALLERY
گالـــری دنـا

۱

# پیشنهاد اول

DENA
GALLERY
گالری دنا

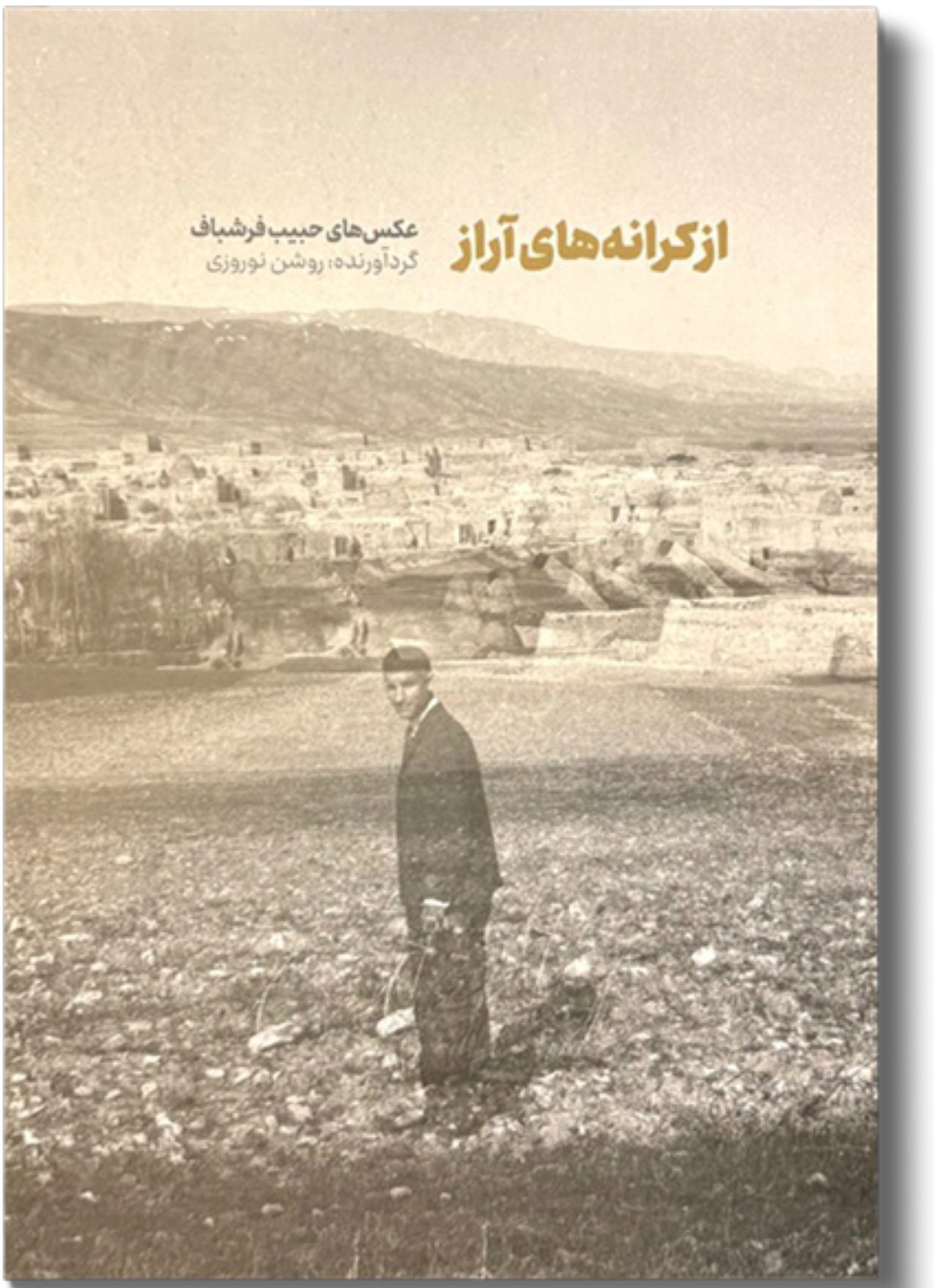


## اصل کتاب

**ابعاد کتاب:۲۵ در ۳۰**

**تکنیک:چاپ افست**

DENA
GALLERY
گالری دنا

Spring of 1968 - Sina Village

Students pounding the school's rooftop

At that time, there was still no access to bricks, cement, or iron in the villages of Azerbaijan. All buildings were constructed from straw, clay, and wood. When it rained, the roofs would leak into the rooms for several hours even after the rain stopped. In Muslim-populated villages, residents would secure the roofs with straw rollers after light rains. However, in Sina village, the locals used wooden rools to pound the rooftops after rainfall, compacting the straw to prevent leaks.



بهار ۱۹۶۸ - روستای سینه

کوبیدن پشت‌بام مدرسه با چند چوبدست

هنوز خبری از آجر و سیمان و آهن و... در روستاهای آذربایجان نبود. همهٔ ساختمان‌ها از کاه و گل و چوب ساخته می‌شد. وقتی باران می‌بارید تا چند ساعت پس از قطع باران نیز سقف خانه‌ها پر از آغل گل چکه می‌کرد. در روستاهای مسلمان‌نشین پس از نزول باران با غلتک کاهگل پشت‌بام را محکم می‌کردند. ولی در روستای سینه محلی به این وسیله‌های چوبی پشت‌بام‌ها را پس از بارش باران می‌کوبیدند تا کاهگل محکم شود و چکه نکند.

1968 - Gumbajavar Village

Background image: The battle against illiteracy (Education for illiterate adults) of Gumbajavar Village). Foreground image: The wife of my friend Yousefali.

۱۹۶۸ - روستای گومبوجوار

عکس پس‌زمینه: تلاش پیکار با بی‌سوادی (آموزش برای بزرگسالان روستای گومبوجوار) و عکس پیش‌زمینه: همسر دوستم یوسفعلی

Every summer, I would take my sisters and their children on trips to the villages where I served (I was not married at that time). After a week or two of exploring, when it was time for them to return to Tabriz, they would often find a crowd of villagers gathered in front of my house to say their goodbyes. The women of the village, according to their means, would bring gifts like butter, cheese, chicken, and hand-woven wool socks as souvenirs for my sisters.

The cobbler-turned-filmmaker Jafar Panahi is right: the chicken that you see in my cousin's hand in the photo, "Zeinab Bastani" was a lonely and impoverished woman who had spent her life in solitude, longing, and waiting. She was married for just three months when her husband, a member of the Azerbaijan Democratic Party, sought refuge in the Soviet Union and never returned. All Zeinab Bastani had in the world were her chickens, and she provided for herself by selling their eggs. During that time, I captured moments of her sad life in both poetry and prose in my books.

Summer of 1966 - Kajlara Village (Khoyniha)

Farewelling the guests

Villagers farewell my sisters.

تابستان ۱۹۶۶ - روستای کجلرا (خویی‌ها)

بدرقهٔ مهمان

اهالی روستا خواهرانم را بدرقه می‌کنند.



# قسمتی از کتاب

## ابعاد کتاب:۲۵ در ۳۰

## تکنیک:چاپ افست

DENA
GALLERY
گالـــری دنـا

پاییز ۱۳۴۵ - روستای گومیشان

علی اکبر عباس‌پور دانش‌آموز کلاس نهم

در آن ایام هنوز ماشین‌آلات کشاورزی و کمباین و... به روستاها راه نیافته بود. روستاییان همه‌ساله در فصل پاییز و بهار بذر محصولات دیم خود را برای کاشت جو و گندم در آنجا می‌پاشیدند. تنها محصولات دیم و گندم دانه‌ریزی بود که از هر گاهی از آب‌وهوای نامساعد دچار خسارت می‌شد و گاهی نیز با تگرگ از بین می‌رفت. هر خانوار تعداد انگشت‌شماری گاو و گوسفند داشت که از شیر آن‌ها تغذیه اعضای خانواده تأمین می‌شد.

Autumn of 1966 - Gomishan Village

Abolghasem Abbaspour, 8th grade student

During that time, tractors, combine harvesters, and other modern farming equipment had not yet made their way to the villages. Villagers would plow their dryland fields for barley and wheat every year in the autumn and spring. Their only crops were dry-farmed barley and wheat, which sometimes failed to yield due to insufficient rain and other times were destroyed by hail. Each household typically had a small number of cows and sheep, whose milk provided the basic sustenance for their families.

# قسمتی از کتاب

**ابعاد کتاب:۲۵ در ۳۰**

**تکنیک:چاپ افست**

DENA
GALLERY
گالـــری دنـا

# اصل کتاب

ابعاد کتاب:۲۵ در ۳۰

تکنیک:چاپ افست

DENA
GALLERY
گالـــری دنـا

برای خرید اثر با شماره های

۸۸۹۳۱۷۴۴ / ۰۹۱۲۴۱۱۰۳۶۸

در تماس باشید

DENA
GALLERY
گالری دنا